

مدیریت جمعی حق مؤلف و حقوق مرتبط

عبدالحسین شیروی*
محمدعلی میرزایی**

تاریخ دریافت: ۱۳۸۵/۱۰/۱۹ تاریخ تأیید: ۱۳۸۶/۲/۲۰

۱۵۲

فقه و حقوق / سال چهارم / شماره ۱۳ / تابستان ۱۳۸۶

چکیده

مدیریت جمعی حق مؤلف و حقوق مرتبط، نظامی است که اولین بار در فرانسه بنیان نهاده شد. در این نظام، پدیدآورندگان و دارندگان حقوق مرتبط، به سازمانهای مدیریت جمعی اجازه می‌دهند تا حقوقشان را اداره کنند، یعنی بر استفاده از آثارشان نظارت نمایند، با استفاده کنندگان احتمالی آثارشان مذاکره کنند و در مقابل پرداخت اجرت، تحت شرایط مناسب، مجوز استفاده از اعضای خود را به آنها بدهند و در نهایت مبالغی را که وصول می‌نمایند، در میان اعضا تقسیم کنند.

مدیریت جمعی حق مؤلف و حقوق مرتبط، دو هدف اساسی را دنبال می‌نماید: اول اینکه می‌کوشد پدیدآورندگان و دارندگان حقوق مرتبط را قادر سازد تا حقوقشان را به طور مؤثر و با هزینه‌ای کم اجرا کنند. دوم اینکه این امکان را برای استفاده کنندگان آثار مشمول حق مؤلف و حقوق مرتبط فراهم سازد تا دسترس آسان به آثار بیابند و تعهداتی را که قوانین حق مؤلف برای کسب اجازه در استفاده از آثار برای آنها ایجاد نموده است، ایفا نمایند.

واژگان کلیدی: مدیریت جمعی، سازمانهای مدیریت جمعی، حق مؤلف، حقوق مرتبط، کپی‌رایت.

* دانشیار پردیس قم - دانشگاه تهران (ashiravi@ut.ac.ir).

** دانشجوی دوره دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس (jurist82@yahoo.com).

مقدمه

پدیدآورندگان یا دارندگان آثار ادبی و هنری از حقوقی انحصاری چون حق تکثیر، حق اجرای عمومی، حق پخش و حق عرضه و توزیع برخوردارند. این دسته از حقوق به آنها این امکان را می‌دهد که یا خود این حقوق را استیفا نمایند و یا اجازه استفاده از آنها را به دیگران دهند. به عنوان مثال، نویسنده کتاب می‌تواند با ناشر مبادرت به انعقاد قرارداد نشر نماید و یا خود شخصاً، حق خود را اجرا کند. اما دسته‌ای از حقوق وجود دارد که اجرای انفرادی آنها امکان‌پذیر نیست. به عنوان مثال، در زمینه حق اجرا در آثار موسیقایی این امکان وجود ندارد که پدید آورنده اثر موسیقایی با تمام استفاده‌کنندگان از اثرش مبادرت به انعقاد قرارداد کند و اجازه اجرای اثرش را بدهد. از سوی دیگر، استفاده‌کنندگان نیز قادر نیستند تا پدیدآورندگان آثار را بیابند و اجازه استفاده از آثارشان را کسب نمایند.

این مشکل نیازمند راه حل است. راه حلی که ارائه گردید، «مدیریت جمعی حقوق» بود؛ یعنی اینکه پدیدآورندگان و دارندگان آثار ادبی و هنری و نیز دارندگان حقوق مرتبط، با تأسیس سازمانهای مدیریت جمعی، حقوق خود را به صورت گروهی و جمعی اداره و اجرا نمایند. مدیریت جمعی حق مؤلف و حقوق مرتبط با حق مؤلف به وسیله سازمانهای مدیریت جمعی صورت می‌گیرد و چنین سازمانهایی بهترین وسیله برای حمایت از منافع پدیدآورندگان و دارندگان حق‌اند.

پدیدآورندگان و دارندگان حقوق مرتبط، به عضویت سازمانهای مدیریت جمعی در می‌آیند و آثار آنها مجموعه سازمان را تشکیل می‌دهند و استفاده‌کنندگان جهت استفاده از آثار اعضای سازمان با سازمان وارد مذاکره و انعقاد قرارداد می‌گردند.

مدیریت جمعی حق مؤلف و حقوق مرتبط، نظامی است که سابقه نسبتاً دیرینه در حقوق غرب دارد، اما در حقوق ایران از آن بحثی نشده و چنین نظامی وارد دستگاه حقوقی ایران نگردیده است. در این نوشتار برآنیم تا ضمن معرفی نظام مدیریت جمعی، ضرورت تأسیس چنین نظامی را در دستگاه حقوقی ایران بیان کنیم.

۱. پیشینه تاریخی مدیریت جمعی

نظام مدیریت جمعی نخستین بار در فرانسه شکل گرفت. در این کشور فردی به نام بومارشه (Beaumarchais) اقدام به مبارزه حقوقی علیه تئاترها نمود؛ زیرا مالکان تئاتر اقدام به اجرای آثار پدیدآورندگان و از جمله آنها بومارشه می نمودند، بدون اینکه حقوق مادی و معنوی آنها را رعایت نمایند. مبارزه بومارشه در سال ۱۷۷۷ به شکل گیری «اداره قانونگذاری نمایشی»^{*} انجامید. این دفتر بعداً به «انجمن پدیدآورندگان و آهنگسازان نمایشی»^{**} تبدیل گردید (Petri, 2002: 70 - 96). بنابراین، اولین سازمانی که به مدیریت حقوق پدیدآورندگان پرداخت، انجمن پدیدآورندگان و آهنگسازان نمایشی در فرانسه بود.

۱۵۵
فقه و حقوق / مدیریت جمعی
حق مؤلف و حقوق مرتبط

رویه بومارشه را نیم قرن بعد هانری بالزاک، الکساندر دوما، ویکتور هوگو و دیگر نویسندگان فرانسوی در حوزه آثار ادبی تعقیب نمودند و انجمن نویسندگان (اس.جی.دی.ال.)^{***} را به وجود آوردند که اولین مجمع عمومی آن در سال ۱۸۳۷ تشکیل جلسه داد (Ficsor, 2002: 18). چنین سازمانهایی، سازمانهای مدیریت جمعی کامل به مفهومی که امروزه شناخته شده اند، نبودند. امری که منجر به مدیریت جمعی کاملاً توسعه یافته گردید، مبدأ آغاز آن سال ۱۸۴۷ بود. در این سال دو آهنگساز به نامهای ویکتور پاریزوت (Victor Parizot) و پل هنریون (Paul Henrion) و یک نویسنده به نام ارنست بورگت (Ernest Bourget) در حالی که به وسیله ناشران خود حمایت می شدند، علیه آمباسادور (Ambassadeurs) - مالک کافه ای واقع در پاریس - اقامه دعوی نمودند. استدلال آنها این بود که مالک کافه برای صندلیها و وعده های غذایی اش پول می گیرد، در حالی که آثار آنها را گروه ارکستر اجرا می نماید و به آنها پولی پرداخت نمی گردد. دادگاه حکم به نفع آنها صادر نمود و مالک کنسرت کافه ملزم گردید که مقدار زیادی از اجرت های دریافتی اش را به خواهانها بپردازد. حقی که دادگاه به رسمیت شناخت، اجرای انفرادی آن غیر ممکن بود. به همین جهت، در سال ۱۸۵۰

* Bureau de Législation Dramatique.

** Société des Auteurs et Compositeurs Dramatiques, (SACD).

*** Societe des Gens De Letres (SGDL).

انجمن نویسندگان، آهنگسازان و پردازشگران موسیقی (ساسم)* به وجود آمد (Ibid: 18). رویه‌ای که در فرانسه به وجود آمد، دیگر کشورها از آن الگو گرفتند و اقدام به تأسیس سازمانهای مدیریت جمعی در کشورهای خود نمودند.

استرلینگ در کتاب خود، مراحل تحول سازمانهای مدیریت جمعی را به چهار مرحله تقسیم می‌نماید. مرحله اول زمانی است که انجمنهای وصول‌کننده (سازمان مدیریت جمعی) در قرون نوزده و بیست به وجود آمدند. مرحله دوم زمانی است که سازمانهای مدیریت جمعی ملی اقدام به تأسیس سیساک** (کنفدراسیون بین‌المللی انجمنهای پدیدآورندگان و آهنگسازان) در سال ۱۹۲۶ نمودند.

مرحله سوم شکل‌گیری انجمنهای وصول‌کننده است. این انجمنها دارندگان آثار سینمایی، صوتی و تصویری را به طور مستقل از پدیدآورندگان آثار ادبی و هنری نمایندگی می‌کردند.

مرحله چهارم توسعه وسایل و ابزارهای فنی جدید فتوکپی بود. در این مرحله کشورها قوانینی را به تصویب رساندند که بر این وسایل مالیات تعلق گیرد و به این منظور سازمان بین‌المللی حق تکثیر (آی. اف. آر. او.)*** به وجود آمد تا این مالیاتها را بین اعضای خود تقسیم نماید (Sterling, 1998: 404).

۲. واژه‌شناسی و تعریف مدیریت جمعی

در دکترین و ادبیات قانونگذاران از واژه‌هایی برای مدیریت جمعی و سازمانهای مدیریت جمعی استفاده شده است. در دکترین بیشتر از اصطلاحات «انجمن پدیدآورندگان»، «انجمن مدیریت جمعی»، و «انجمن حقوق پدیدآورندگان» استفاده می‌گردد (Jauna, 2004: 2).

در ادبیات قانونگذاران نیز از واژه‌هایی استفاده می‌گردد. در قانون مالکیت فکری فرانسه از واژه «انجمنهای وصول و دریافت» استفاده شده است. در قانون حق مؤلف و حقوق

* Société des Auteurs, Compositeurs et Editeurs de Musique, (SACEM).

** International Confederation of Societies of Authors and Composers, (CISAC).

*** International Federation of Reproduction Right Organization (IFRRO).

مرتبط سوئیس از واژه «انجمنهای مدیریت» استفاده گردیده است. قانون حق مؤلف اتریش از این سازمانها به نام «انجمنهای دریافت» یاد می‌نماید. در قانون کپی رایت، حق اختراع و طرحهای انگلیس مصوب ۱۹۸۸ از واژه «انجمنهای وصول‌کننده» استفاده شده است. سازمان جهانی مالکیت فکری* از مدیریت جمعی چنین تعریفی ارائه می‌نماید: اداره جمعی، نظامی است که بر اساس آن مالکان حقوق به سازمانهای مدیریت جمعی اجازه می‌دهند تا حقوقشان را اداره نمایند، یعنی بر استفاده از آثارشان نظارت کنند، با استفاده‌کنندگان احتمالی مذاکره نمایند، به آنها در مقابل پرداخت اجرت تحت شرایط مناسب مجوز دهند و در نهایت مبالغ وصول شده را در میان اعضای خود تقسیم نمایند (WIPO, 1990: 8).

۳. انواع سازمانهای مدیریت جمعی

امروزه سه نوع سازمانهای مدیریت جمعی در کشورهای مختلف به فعالیت می‌پردازند که به آنها اشاره می‌کنیم.

۳-۱. سازمانهای مدیریت جمعی سنتی (traditional collective management organizations)

سازمانهایی هستند که خود مستقیماً با استفاده‌کنندگان طرف مذاکره قرار می‌گیرند و اقدام به تعیین حق امتیازها، شرایط استفاده از آثار اعضا، انعقاد قرارداد با استفاده‌کنندگان و وصول حق امتیازها می‌کنند. در هیچ یک از این مراحل، استفاده‌کننده با پدیدآورنده طرف مذاکره مستقیم قرار نمی‌گیرد. از همین رو چنین سازمانهایی، سازمانهای مدیریت جمعی کاملی هستند که اجرای حقوق اعضا را خود صورت می‌دهند.

۳-۲. مراکز تسویه حقوق (right clearance centers)

دسته‌ای دیگر از سازمانهای مدیریت جمعی هستند که به نمایندگی از اعضای خود، مجوز استفاده از آثار اعضا را صادر می‌نمایند. شرایط بهره برداری از اثر و میزان حق امتیاز را اعضا مستقیماً با استفاده‌کنندگان تعیین می‌کنند و مرکز دخالتی در این حوزه‌ها ندارد.

* World Intellectual Property Organization (WIPO).

۳-۳. مکان واحد ارائه خدمات (one - stop - shops)

مکان واحد ارائه خدمات به ائتلافی از سازمانهای مدیریت جمعی مستقل اطلاق می‌گردد که مجوز استفاده از آثار سازمانهای عضو ائتلاف را می‌دهند. این سازمانها معمولاً برای حل مشکل تولید آثار چند رسانه‌ای به وجود می‌آیند، زیرا تولیدکننده اثر چند رسانه‌ای برای تولید اثر باید از سازمانهای مختلفی مجوز کسب کند و آثار آن سازمانها را در تولید اثر به کار برد و این امر مشکلی است. این ائتلافها این مشکل را حل می‌کند و دیگر نیازی نیست که تولیدکننده از چند سازمان مجوز استفاده از آثار اعضایشان را اخذ نماید.

۴. حقوق تحت اداره سازمانهای مدیریت جمعی

سازمانهای مدیریت جمعی، دسته متنوعی از حقوق پدیدآورندگان و دارندگان حقوق را اداره می‌کنند. حقوقی که پدیدآورندگان و دارندگان حقوق به سازمانهای مدیریت جمعی واگذار می‌کنند، معمولاً شامل حقوق ثانویه می‌گردد. حقوق ثانویه آن دسته از حقوق را شامل می‌گردد که استفاده از اثر در سطح وسیع و خارج از حوزه خانواده صورت می‌گیرد. در این دسته از حقوق، حق اجرای عمومی و حق دریافت اجرت قرار می‌گیرند.

در این حوزه است که اجرای حقوق به صورت انفرادی ممکن نیست و باید سازمانی به وجود آید که به اجرای چنین حقوقی بپردازد.

در حال حاضر، سازمانهای مدیریت جمعی به اداره این دسته از حقوق می‌پردازند:

۱. حق اجرای عمومی در زمینه آثار موسیقایی؛
۲. حق تکثیر مکانیکی آثار موسیقایی که از آن به «حق مکانیکی» (mechanical right) یاد می‌گردد؛
۳. حق پخش مجدد آثار سمعی - بصری؛
۴. حق دریافت اجرت برای تکثیر خصوصی؛
۵. حق اجاره عمومی و امانت آثار صوتی و آثار سمعی بصری؛
۶. حق فروش مجدد آثار هنری که در حقوق فرانسه از این حق به عنوان «حق تعقیب» یاد می‌شود؛

۷. حق تکثیر ریپروگرافی (تکثیر از طریق فتوکپی با وسایلی که به مقدار بسیار آثار را تکثیر می نمایند)؛

۸. حق پخش رادیویی و تلویزیونی.

این دسته از حقوقی که ذکر گردید، در زمره حقوق مادی پدیدآورندگان و دارندگان حقوق به حساب می آیند. اما حقوق معنوی پدیدآورندگان که شامل حق انتساب اثر و حق تمامیت اثر می گردد، متعلق به پدیدآورنده است و پدیدآورنده به اجرای آنها می پردازد. این دسته از حقوق از زمره حقوق سلبی هستند، یعنی افراد مجاز نیستند اثری را که متعلق به دیگری است به خود منتسب نمایند و یا در تمامیت اثر دخل و تصرفی صورت دهند. آنان در صورت انجام این اعمال مورد تعقیب کیفری قرار می گیرند. سازمانهای مدیریت جمعی که به منظور دفاع از حقوق و منافع حرفه‌ای اعضای خود تشکیل می گردند، می کوشند از حقوق معنوی اعضا نیز حمایت کنند. از همین رو در مواردی که سازمان احتمال نقض حق معنوی اعضا را دهد، از اعطای مجوز امتناع می کند؛ یعنی به طور غیرمستقیم از حقوق معنوی اعضا حمایت به عمل می آورد، ولی این بدان معنا نیست که حقوق معنوی آنها را اجرا می کنند.

۵. کارکردهای سازمان مدیریت جمعی

سازمانهای مدیریت جمعی دارای کارکردهای متنوعی هستند که از زمره آنها می توان به اعطای مجوز بهره‌برداری از آثار اعضا و نظارت بر استفاده از آنها، وصول و توزیع حق امتیازها، اقامه دعوی علیه ناقضان حق، انجام فعالیتهای فرهنگی و اجتماعی و انعقاد قراردادهای دو جانبه یا چند جانبه با دیگر سازمانهای مدیریت جمعی اشاره نمود.

۵-۱. اعطای مجوز

از مهم‌ترین کارکردهای سازمان مدیریت جمعی، اعطای مجوز است. اشخاصی که می خواهند از آثار اعضای سازمان استفاده کنند، لازم است مجوز استفاده را از سازمان به دست آورند. از این مجوز به قرارداد لایسانس (licensing agreement) تعبیر می گردد. در این قرارداد شرایط بهره‌برداری، نوع استفاده از اثر، میزان حق امتیاز، موارد فسخ قرارداد، مدت قرارداد، و دیگر موارد ذکر می شود.

مجوزی که سازمانهای مدیریت جمعی اعطا می‌نمایند معمولاً بر دو نوع است:

۱. مجوز فراگیر (blanket licensing) ۲. مجوز تبادلی (transactional licensing).

در مجوز فراگیر این حق به استفاده‌کننده داده می‌شود که از تمام مجموعه آثار سازمان استفاده کند و معمولاً این نوع مجوز در زمینه آثار موسیقایی مورد استفاده قرار می‌گیرد. دلیل آن نیز این است که به جهت هزینه‌های بالای نظارت بر استفاده موردی از اثر، ممکن نیست که برای هر اثری یک مجوز صادر گردد. از همین رو مجوز فراگیر داده می‌شود تا امکان مدیریت و نظارت بهتر صورت گیرد.

اما در مجوز تبادلی، مجوز استفاده از بعضی آثار سازمان داده می‌شود و معمولاً برای استفاده‌کنندگانی کاربرد دارد که نمی‌خواهند از تمام آثار مجموعه سازمان استفاده نمایند (Gervais, 1998: 6-7).

۲-۵. وصول و توزیع حق امتیازها

یکی دیگر از کارکردهای سازمان مدیریت جمعی، وصول و توزیع حق امتیازهاست. معمولاً سازمانها مجوزی به استفاده‌کنندگان می‌دهند و حق امتیازی را از آنها دریافت می‌نمایند. زمانی که چنین حق امتیازهایی را دریافت نمودند، آنها را در میان اعضای خود توزیع می‌کنند، بدون اینکه سازمان مبلغی را برای خود اختصاص دهد. مبالغی که از این حق امتیازها کسر می‌گردد، فقط هزینه‌های اداری و یا هزینه‌هایی است که برای امور فرهنگی و اجتماعی سازمان اختصاص داده می‌شود.

۳-۵. اقامه دعوی علیه ناقضان حق

اقامه دعوی علیه ناقضان حق در حوزه حق مؤلف و حقوق مرتبط، امری سهل و آسان نیست. زیرا پدیدآورنده باید در ابتدای امر ناقضان حق را شناسایی نماید، اقدام به جمع آوری دلایل علیه تک‌تک ناقضان حق کند، خساراتی را که به او در اثر نقض حقوقش وارد شده است ارزیابی و تقویم کند و در نهایت در حوزه‌های قضایی مختلف علیه ناقضان حق اقامه دعوی نماید. زمانی که جرم در حوزه‌های قضایی مختلف ارتکاب یافته باشد، انجام این امور نیازمند زمان بسیار و هزینه‌های فراوان می‌باشد که از عهده پدیدآورنده خارج است. در اینجاست که فلسفه وجودی سازمانهای مدیریت

جمعی آشکارتر می‌گردد. سازمانهای مدیریت جمعی با امکاناتی که دارند، امکان بهتری برای اقامه دعوی نقض حقوق اعضای خود فراهم می‌کنند. بنابراین، یکی از کارکردهای سازمان مدیریت جمعی را اقامه دعوی علیه ناقضان حق تشکیل می‌دهد.

سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا حق اقامه دعوی مختص سازمان است یا اینکه اعضا نیز می‌توانند به طور شخصی علیه ناقضان حق خود اقامه دعوی نمایند. در این خصوص از دیوان عالی فرانسه در ۲۴ فوریه ۱۹۹۸ رأی صادر شد که حق اقامه دعوی علیه ناقضان را برای پدیدآورندگان به رسمیت شناخت. در حالی که خوانده یعنی انجمن مؤلفان و ناشران (ساسم) استدلال می‌کرد که خواهان حقوق خود را به انجمن واگذار نموده است و حق طرح دعوی را ندارد. دیوان این استدلال را رد نمود و بیان داشت که اعضای سازمان، تنها حق اداره حقوق خود را به سازمان واگذار نموده‌اند. این رأی را آندره کروور مورد نقد قرار داد و استدلال نمود که رأی مذکور با ماده ۱ - ۳۲۱ L قانون مالکیت فکری فرانسه که متضمن حق انحصاری طرح دعوی برای شرکتهای مذکور است و نیز رویه قضایی سابق فرانسه مخالف است (محمدی، ۱۳۸۴: ۲۱۰).

۴-۵. کارکرد فرهنگی و اجتماعی

سازمانهای مدیریت جمعی نقش مهمی در ارتقای تولید آثار فرهنگی در حوزه ادبیات و هنر دارند. این سازمانها مقداری از حق امتیازهایی را که دریافت می‌کنند برای توسعه و تولید آثار فرهنگی هزینه می‌نمایند، تا این امر به تولید آثار بیشتر بینجامد. سازمانها معمولاً ده تا پانزده درصد از حق امتیازها را برای این موارد اختصاص می‌دهند.

۶. مقررات ناظر بر تأسیس و نحوه فعالیت سازمانهای مدیریت جمعی

تأسیس و نحوه فعالیت سازمانهای مدیریت جمعی در هر کشوری نسبت به کشور دیگر متفاوت است. کشورها معمولاً برخی شرایط ماهوی و شکلی را برای تأسیس سازمانهای مدیریت جمعی در قوانین خود پیش‌بینی می‌نمایند که به طور نمونه به کشورهای فرانسه، آلمان و انگلیس اشاره می‌کنیم.

از مجموع سازمانهای مدیریت جمعی، تنها دو سازمان، یکی انجمن ایتالیایی پدیدآورندگان و ناشران (SIAE) در ایتالیا یک مقام عمومی است و دیگری AEPI در یونان یک شرکت تجاری است. دیگر سازمانها به صورت انجمنها یا شرکتهای غیر تجاری تأسیس می‌گردند (Gervais, 2007: 25).

۶-۱. فرانسه

همان طور که قبلاً گذشت، در فرانسه سازمانهای مدیریت جمعی انجمنهای وصول و توزیع نامیده می‌شوند. مقررات تأسیس و فعالیت انجمنهای وصول و توزیع در قانون مالکیت فکری فرانسه مصوب ۱۹۹۲ آمده است. بر اساس قانون مالکیت فکری فرانسه، سازمانهای مدیریت جمعی باید به صورت شرکتهای مدنی تأسیس گردند (ماده ۱ - ۳۲۱ L). اعضای انجمنهای وصول و توزیع نیز باید از پدیدآورندگان، اجراکنندگان و تولیدکنندگان آثار صوتی یا آثار ویدئویی و یا قائم‌مقام آنان باشند (ماده ۱ - ۳۲۱ L).

از شرایط شکلی تأسیس انجمنها در فرانسه این است که انجمنها باید پیش‌نویس اساسنامه خود را به وزیر فرهنگ ارائه نمایند. چنانچه وزیر فرهنگ مخالفتی با تأسیس انجمن داشته باشد، مکلف است دلایل مخالفت خود را ظرف یک ماه به دادگاه شهرستان ارائه کند. دادگاه نیز وظیفه دارد که در این حالت، شرایط حرفه‌ای مؤسسان، امکانات مادی و نیروی انسانی را که می‌خواهند مورد استفاده قرار دهند تا حق امتیازها را جمع‌آوری کنند، ارزیابی نماید (ماده ۳ - ۳۲۱ L).

۶-۲. آلمان

آلمان از زمره کشورهای است که در خصوص سازمانهای مدیریت جمعی قانون خاص به تصویب رسانیده است. عنوان این قانون، «قانون اداره حق مؤلف» است که در ۴ سپتامبر ۱۹۶۵ تصویب گردید و در ۸ می ۱۹۹۸ اصلاح شد. این در حالی است که اکثر کشورها موادی از قانون حق مؤلف خود را به سازمانهای مدیریت جمعی اختصاص داده‌اند.

در این قانون از سازمانهای مدیریت جمعی به عنوان «انجمنهای وصول‌کننده» یاد می‌گردد. در خصوص شکل حقوقی انجمنهای وصول‌کننده، قانون شکل خاصی را تحمیل نمی‌نماید، اما در عمل انجمنها به صورت شرکتهای با مسئولیت محدود فعالیت می‌کنند (گزارش ارائه شده به سنای فرانسه، ۱۹۹۷: ۵). از زمره شرایط شکلی تأسیس انجمنهای وصول‌کننده این است که متقاضی یا متقاضیان تأسیس انجمن باید پروانه فعالیت را از اداره ثبت اختراعات آلمان به دست آورند (ماده ۱ (۱) قانون اداره حق مؤلف).

۳-۶. انگلیس

در انگلیس قانون و مقرراتی در خصوص تأسیس سازمانهای مدیریت جمعی وجود ندارد. اما سازمانهای مدیریت جمعی به صورت شرکتهای خصوصی (private companies) تأسیس می‌گردند و اعضا آنها را اداره می‌کنند، مشروط بر اینکه حقوق شرکتها را رعایت نمایند و از آن جمله شرایطی است که بر مدیران شرکتها تحمیل می‌گردد (Garnett, 2005: 1559).

۷. نظارت بر سازمانهای مدیریت جمعی

به جهت انحصاری که سازمانهای مدیریت جمعی در بازار داخلی اعم از انحصار قانونی یا انحصار عملی دارند، ضروری است مکانیسمهایی به وجود آید تا با کنترل و نظارت بر این سازمانها بتوان از سوء استفاده آنها جلوگیری به عمل آورد. کشورها تدابیری را برای نظارت و کنترل سازمانهای مدیریت جمعی اندیشیده‌اند که به چند مورد آن اشاره می‌کنیم.

۷-۱. نظارت اداره ثبت اختراع و مقام انحصار به همراه هیأت داوری

یکی از روشهای کنترل و نظارت بر سازمانهای مدیریت جمعی، نظارت اداره ثبت اختراع و اداره انحصار به همراه یک هیأت داوری است. اداره انحصار در آلمان اداره‌ای است که در خصوص جلوگیری از به وجود آمدن انحصار در یک بخش فعالیت می‌کند. چنین مکانیسمی را کشور آلمان اتخاذ نموده است. در این مکانیسم انجمنهای وصول‌کننده تحت نظارت اداره ثبت اختراع قرار می‌گیرند. قانون اداره حق مؤلف آلمان اختیاراتی را به اداره ثبت اختراع داده است. از جمله اینکه اداره می‌تواند هر اطلاعاتی

را در خصوص فعالیت بازرگانی انجمنها مطالبه نماید (ماده ۲) (۱۹)؛ اداره می‌تواند در هر زمانی در جلسات مجمع عمومی و همچنان در جلسات هیأت نظارت شرکت نماید (ماده ۳) (۱۹)؛ اداره می‌تواند انجمن را منحل نماید (ماده ۴) و اداره می‌تواند فردی را که به موجب قانون و یا اساسنامه صلاحیت نمایندگی دارد، اما فعالیتش را با صداقت انجام نمی‌دهد، عزل کند (ماده ۴) (۱۹).

هیأت داوری که در قانون اداره حق مؤلف هم پیش‌بینی شده است، در اداره ثبت اختراع تشکیل می‌گردد، اما سازمانی مستقل از اداره است. انتصاب افراد در این هیأت از سوی وزیر دادگستری آلمان صورت می‌گیرد و تصمیمهایی که هیأت اتخاذ می‌نماید در دادگاه تالی مونیخ قابل تجدید نظر هستند (Suthfherren, 2000: 15-42). هیأت صلاحیت رسیدگی به اختلافات ناشی از قراردادهای جامع و قراردادهای پخش مجدد کابلی را دارد. هیچ اختلافی در این دو مورد به دادگاههای مدنی ارجاع نمی‌گردند، مگر اینکه روند رسیدگی در هیأت داوری را طی نموده باشند (ماده ۱) (۱۶).

مرجع سوم نظارت، اداره انحصار آلمان است که به روابط بین انجمن و استفاده‌کنندگان نظارت می‌نماید.

۲-۷. نظارت دادگاه مدنی و مقام اداری در کنار داوری محدود شده

از شیوه‌های کنترل و نظارت بر سازمانهای مدیریت جمعی، کنترل از سوی دادگاه مدنی و در کنار آن یک مقام اداری به نام وزیر و در کنار این دو، یک هیأت داوری محدود شده است. از این روش، فرانسه، بلژیک، یونان و کشورهای اسکاندیناوی بهره می‌برند. مثلاً در فرانسه انجمنهای وصول و توزیع زیر نظر وزیر فرهنگ قرار دارند. هر انجمنی موظف است تا گزارش سالیانه‌اش را به وزیر اعلام نماید و در این گزارش اصلاح خود را راجع به قوانین و مقررات وارد کند (ماده ۱۲ - ۳۲۱ - L قانون مالکیت فکری فرانسه). تمام اعمال وزیر در خصوص انجمن وصول و توزیع، محدود و موازی با صلاحیت دادگاههای مدنی است. فرانسه یک ارگان داوری را نیز پیش‌بینی نموده است که به حل اختلاف در خصوص حق انتقال مجدد کابلی (ماده ۱-۲۰-۳۱۲ L) در حق ریپروگرافی و دیگر حقوق نظیر حق

دریافت اجرت در مالیات بر نوارهای خام (مواد ۹-۳۲۱ L و ۱-۳۱۱ L) و حق دریافت اجرت برای تولیدکنندگان آثار صوتی و سمعی - بصری و اجراکنندگان می‌پردازد.

۸. مدیریت جمعی و حقوق رقابت

سازمانهای مدیریت جمعی در اقتصاد بازار آزاد مشمول قوانین رقابت‌اند، زیرا این سازمانها که از جمله سازمانهای ارائه دهنده خدمات‌اند به دو لحاظ می‌توانند مشمول قواعد رقابت گردند. اول اینکه این سازمانها از وضعیت برتر در بازار برخوردارند و مضاف بر آن در تعدادی از کشورها وضعیت انحصاری نیز دارند. وضعیت غالب و انحصاری این سازمانها به این گونه است که تنها سازمانهایی هستند که استفاده‌کنندگان می‌توانند از آنها مجوز دریافت نمایند و دارندگان حقوق نیز تنها از طریق یک سازمان می‌توانند حقوق خود را اجرا نمایند (Kretschmer, 2002: 2). سازمانهای مدیریت جمعی در رابطه با استفاده‌کنندگان می‌توانند اقدام به تعیین تعرفه‌های بالا، شروط قراردادی غیر عادلانه و خودداری از اعطای مجوز نمایند و یا در خصوص دارندگان حق می‌توانند شروطی را برای پذیرش عضویت آنها اعلام دارند که سوء استفاده از وضعیت غالب و انحصاری آنها تلقی گردد.

به عنوان مثال، سازمان حق مؤلف بلژیک، شرط پیوستن به سازمان را واگذاری تمام حقوق حال و آینده افراد متقاضی عضویت اعلام نموده بود که دیوان دادگستری اروپا آن را مغایر با ماده ۸۲ معاهده جامعه مشترک اروپا دانست.

دیوان اعلام داشت که انجمن حق مؤلف سازمانی نیست که یک مقام عمومی، اداره خدمات نفع عمومی را به آن واگذار نموده باشد تا در این صورت از شمول قواعد رقابت خارج گردد. انجمن صرفاً منافع مالکیت خصوصی افراد را مدیریت می‌نماید و باید بیشترین آزادی را به دارندگان حقوق در مدیریت حقوقشان بدهد (Ibid: 8).

۹. نفع عمومی و مدیریت جمعی

اجرای حقوق از طریق سازمانهای مدیریت جمعی امری اختیاری است. یعنی اینکه سازمانهای مدیریت جمعی که خواهان اداره حقوق‌اند، لازم است از پدیدآورندگان وکالتی را به دست آورند تا بتوانند حقوق آنها را اداره و اجرا نمایند. در این حال ممکن

است پدیدآورندگان نخواهند عضو سازمان مدیریت جمعی باشند و در مواردی بخواهند که حقوق خود را به طور انفرادی اجرا نمایند. از سویی نفع عمومی ایجاب می‌نماید که استفاده‌کنندگان به آثار مشمول حق مؤلف و حقوق مرتبط دسترس داشته باشند. از این رو، دولتها تدابیری اندیشیده‌اند که استفاده‌کنندگان از باب نفع عمومی به آثار دسترس یابند. از همین رو، دو راه حل در حقوق کشورها به وجود آمده است که به آنها اشاره می‌کنیم.

۹-۱. مجوز جمعی اجباری (non - voluntary collective license)

مجوز جمعی اجباری برای اولین بار در فرانسه در سال ۱۹۹۵ در زمینه حق تکثیر رپیروگرافی به رسمیت شناخته شد. در نظام مجوز جمعی اجباری، دارندگان حقوق ملزم می‌گردند تا تنها از طریق سازمان مدیریت جمعی حقوق خود را مطالبه نمایند، یعنی اینکه در قبال استفاده از اثر آنها، حقی که به آنها تعلق می‌گیرد تنها از طریق سازمان مدیریت جمعی قابل پرداخت باشد. از این رو، دارنده حق نمی‌تواند با استفاده‌کننده طرف مستقیم قرارداد قرار گیرد و حق امتیازهای ناشی از استفاده از اثرش را از استفاده‌کننده مطالبه نماید (Koskinen, 2002: 20).

در مجوز جمعی اجباری، دیگر ضرورتی وجود ندارد تا سازمان از پدیدآورنده یا دارنده حق، وکالت به دست آرد تا به موجب این وکالت مجوز استفاده از اثرش را بدهد، بلکه قانونگذار فرض می‌کند که پدیدآورنده یا دارنده حق، عضو سازمان مدیریت جمعی است. اجرای بعضی از حقوق نظیر حق امانت نرم‌افزارها و آثار صوتی - تصویری و حق توزیع کابلی و نیز حقوقی نظیر حق دریافت اجرت (اگر در قانون کشور پیش‌بینی شده باشد) مشروط به این است که تنها از طریق سازمانهای مدیریت جمعی اعمال گردند (Davies, 2002: 296).

بنابراین، نفع عمومی ایجاب می‌نماید دسته‌ای از آثار و حقوق به جهت نیاز مبرم دسترس استفاده‌کنندگان به آنها، از طریق سازمانهای مدیریت جمعی اجرا و اداره گردند. زیرا این احتمال وجود دارد که پدیدآورنده عضو سازمان نباشد و دادن مجوز به استفاده‌کننده میسر نباشد. با این تدبیر سازمان به راحتی می‌تواند مجوز استفاده از آثار پدیدآورندگان را اعطا نماید، بدون اینکه وکالتی را از آنها به دست آورد.

اما در خصوص اینکه آیا پذیرش مجوز جمعی اجباری با کنوانسیون برن* سازگاری دارد یا خیر، می‌توان گفت: حقوق کشورهایی که پدیدآورنده را از طریق سازمان مدیریت جمعی اجبار به اجرای حقوق خود نمی‌نمایند، ناکارآمد بود. در بسیاری از موارد، پدیدآورندگان عضو سازمان نمی‌شدند و چون حقوق آنها انحصاری بود، امکان استفاده دیگران از آثارشان وجود نداشت. از همین رو، کشورها تصمیم گرفتند تا نظام مجوز جمعی اجباری را تجربه کنند. انطباق مجوز جمعی اجباری را با کنوانسیون برن در ماده ۱۱ بند دوم قسمت سوم آن می‌توان یافت. این ماده مقرر می‌دارد:

کشورهای عضو کنوانسیون [برن] باید شرایطی را که دستیابی به حقوق ذکر شده در بند پیشین را ممکن سازد مشخص نمایند، گرچه این شرایط تنها در کشورهایی که این قوانین را به رسمیت می‌شناسند قابل اجراست. تحت هیچ شرایطی نباید به حقوق مادی و معنوی پدیدآورنده لطمه‌ای وارد شود. در صورت عدم توافق طرفین، مرجع صالح میزان آن را تعیین خواهد نمود.

این ماده از شرایطی سخن می‌گوید که دستیابی به حقوق ذکر شده (نظیر حقوق انحصاری اعطایی به پدیدآورنده) را ممکن سازد. یکی از این شرایط که امکان دستیابی را فراهم می‌سازد، مجوز جمعی اجباری است. بنابراین، در کنوانسیون برن نیز مجوز جمعی اجباری مورد تأیید و پذیرش است.

بعضی از کشورهایی که از مجوز جمعی اجباری برای اجرای بعضی از حقوق استفاده می‌کنند عبارت‌اند از:

فرانسه در حق تکثیر خصوصی (ماده ۶-۳۱۱ L قانون مالکیت فکری)، حق تکثیر رپیروگرافی (ماده ۱۰-۱۲۲ L) و حق انتقال مجدد کابلی (ماده ۲-۲۱۷ L)؛ در آلمان حق امانت عمومی (ماده ۲۷ قانون حق مؤلف)، حق تکثیر خصوصی آثار ویدئویی و آثار صوتی (ماده ۵۴ همان)، حق تعقیب (به مفهوم فرانسوی) یا حق فروش مجدد (در ادبیات انگلیسی) (ماده ۲۶ همان).

* Berne Convention.

۹-۲. مجوز جمعی تسری یافته (extended collective license)

مجوز جمعی تسری یافته، دومین روش برای دسترس و استفاده از آثار افرادی است که عضو سازمان مدیریت جمعی نیستند. این روش در دهه ۱۹۷۰ در کشورهای اسکانداوی به وجود آمد. در این روش قراردادی میان استفاده‌کنندگان و سازمانهایی که نماینده تعداد زیادی از دارندگان حق‌اند منعقد می‌گردد و به موجب قانون آثار این قرارداد به افرادی که عضو سازمان نیستند گسترش می‌یابد. این نظام بیشتر مناسب کشورهایی است که دارندگان حق در آن از سازماندهی خوبی برخوردار باشند (Koskinen, op. cit: 18).

مجوز جمعی تسری یافته واجد برخی ویژگیهایی است که از این قرارند:

- الف. سازمان قراردادی را با استفاده‌کننده منعقد نماید.
- ب. سازمان باید در سطح ملی نمایندگی بخش اساسی از دارندگان حق را بر عهده داشته باشد.
- ج. در صورت وجود شرایط بند الف و ب اثر قرارداد برای دارندگان حقوق که عضو سازمان نیستند الزام‌آور است.
- د. استفاده‌کننده می‌تواند از همه آثار سازمان و در طبقه‌ای خاص استفاده نماید.
- ه. دارنده حق از حق اجرت انفرادی برخوردار می‌گردد.
- و. در اغلب موارد دارنده حقی که عضو سازمان نیست، حق دارد که خواستار منع استفاده از آثارش گردد. در این صورت باید مدت معقولی به سازمان مهلت داده شود تا مجوزهای صادره را باطل سازد و مجوز جدیدی برای استفاده از آثار وی صادر نکند (Ibid: 4).

قانون حق مؤلف نروژ مصوب ۱۹۸۱ در ماده ۳۶ به یک قرارداد با اثر توسعه‌ای می‌پردازد و تکثیر برای فعالیتهای آموزشی و تکثیر برای فعالیتهای تجاری و استفاده از اثر برای افراد معلول را در حوزه مجوز جمعی تسری یافته می‌داند. قانون حق مؤلف اسپانیا مصوب ۱۹۷۲ نیز در ماده ۱۵ بند الف، این اجازه را می‌دهد که هر شخصی که اجازه فتوکپی آثار یا تکثیر آنها را در یک الگوی مشابه برای اهداف تجاری به موجب قرارداد با یک سازمان دارندگان حقوق دارد، می‌تواند همه آثار از آن نوع را تکثیر نماید، هرچند مؤلف اثر عضو سازمان مدیریت جمعی نباشد.

مجوز جمعی تسری یافته علاوه بر قوانین کشورها در دو دستورالعمل اتحادیه اروپا نیز آمده است. در دستورالعمل یکسان سازی قواعد خاص راجع به حق مؤلف و حقوق مرتبط قابل اعمال در پخش ماهواره‌ای و انتقال مجدد کابلی در بند ۱ ماده ۳ آن به مجوز جمعی تسری یافته اشاره می‌کند و در دستورالعمل جامعه اطلاعاتی در مقدمه بند ۱۸ به موضوع مجوز جمعی تسری یافته می‌پردازد.

۱۰. روابط افراد در نظام مدیریت جمعی

از نظام مدیریت جمعی سه نوع از روابط را می‌توان به طور متمایز مورد بررسی قرار داد: اول: رابطه اعضا با سازمان؛ دوم: رابطه سازمان با استفاده‌کنندگان؛ و سوم: رابطه سازمانها با یکدیگر.

۱۰-۱. رابطه اعضا با سازمان

اعضای سازمانهای مدیریت جمعی را معمولاً پدیدآورندگان، ناشران، اجراکنندگان و تولیدکنندگان آثار صوتی و آثار ویدئویی تشکیل می‌دهند. رابطه حقوقی این افراد با سازمان با امضای قرارداد عضویت و واگذاری اداره حقوق به سازمان صورت می‌گیرد. پدیدآورندگان و دارندگان حق با عضویت در سازمانهای مدیریت جمعی، اداره حقوق خود را به سازمانهای مدیریت جمعی واگذار می‌نمایند. سؤال اینجاست که ماهیت واگذاری اداره حقوق چیست. نکته‌ای که باید مد نظر داشت این است که در رابطه سازمان و عضو، انتقال مالکیت حقوق صورت نمی‌گیرد و تنها اداره حقوق به سازمان منتقل می‌گردد. با این فرض، رابطه مالکانه پدیدآورنده با اثر حفظ می‌گردد. در حقوق فرانسه، واگذاری اداره حقوق را زمانی یک نوع وکالت تلقی می‌نمودند که موضوع این وکالت اداره حقوق بود (Dulian, 2005: 1170)، اما این نوع تلقی از ماهیت واگذاری صحیح به نظر نمی‌رسید، زیرا وکالت عقد جایز است و طرفین عقد می‌توانند هر زمانی که بخواهند آن را فسخ نمایند.

اما چنین امری در رابطه قراردادی عضو با سازمان مشهود نیست. از همین رو، حقوقدانها آن را نوعی واگذاری امانی دانسته‌اند (Ibid). یعنی اداره حقوق به صورت امانی به سازمان واگذار می‌شود. از همین روست که حقوق واگذار شده جزء دارایی

سازمان شناخته نمی‌شود، سازمان نمی‌تواند نسبت به آن تصرفی داشته باشد و چنین حقوقی را نزد خود حفظ می‌نماید تا به اعضای خود باز گرداند (Linat, 2002: 2155). اما در حقوق انگلیس، سازمان مدیریت جمعی موقعیت تراستی را حائز است. لذا تراست مالک اسمی اموال مورد تراست محسوب می‌شود و در اداره آنها از اختیارات وسیعی برخوردار است، ولی در واقع اموال مورد تراست را به طور امانی در اختیار دارد تا از آنها در جهت انتفاع ذی‌نفعان بهره‌برداری نماید (تفرشی و محمودی، ۱۳۸۳: ۲۷-۲۶).

۱۰-۲. رابطه سازمان با استفاده‌کننده

تجزیه و تحلیل رابطه سازمان با استفاده‌کننده را در قالب قرارداد لیسانس می‌توان ارائه نمود. سازمان مدیریت جمعی با استفاده‌کننده اقدام به مذاکره و انعقاد قرارداد لیسانس می‌نماید. به موجب این قرارداد، استفاده‌کننده می‌تواند از مجموعه آثار سازمان استفاده نماید.

در حقوق فرانسه، اسناد این نوع قراردادها در زمره اسناد حقوق مدنی تلقی می‌گردند. بنابراین، رسیدگی به این اسناد در صلاحیت دادگاه شهرستان و نه دادگاههای تجاری است. مقررات اقتصادی که به طور خاص در مورد تولیدکنندگان و سازمانهای تجاری اعمال می‌گردد، در مورد این شرکتها اعمال نمی‌گردد. در نهایت نیز مقررات مالیاتی قابل اعمال بر آنها تابع شرکتهای غیر تجاری است (Stewart, 1989: 14043).

۱۰-۳. روابط سازمانهای مدیریت جمعی با یکدیگر

حوزه فعالیت سازمانهای مدیریت جمعی به حوزه داخلی کشورها محدود نمی‌گردد. اصل رفتار ملی که در اسناد بین‌المللی کنوانسیون برن، کنوانسیون حق مؤلف یونسکو و معاهده تریپس آمده است، نیازمند این امر بود که همکاری بین‌المللی بین سازمانهای مدیریت جمعی به وجود آید تا حقوق اتباع کشورهای عضو نه تنها در کشورشان بلکه در کشورهای عضو معاهدات و کنوانسیونها اجرا گردد. از همین رو، در حوزه اجرای حقوق پدیدآورندگان و آهنگسازان آثار موسیقایی، کنفدراسیون بین‌المللی انجمنهای پدیدآورندگان و آهنگسازان (سیساک)* به وجود آمد و متعاقب آن سازمانهای حق اجرا

* International Confederation of Societies of Authors and Composers, (CISAC).

(performance right) به این کنفدراسیون پیوستند (Garnett, op.cit: 1556). این نوع اول از رابطه سازمانهای مدیریت جمعی بر اساس اصل رفتار ملی است. رابطه دوم سازمانها را در نمایندگی متقابل می توان تحلیل نمود که سازمانها با یکدیگر منعقد می نمایند. در قرارداد نمایندگی متقابل سازمان ملی الف تعهد می کند. به طور دو جانبه، حقوقی را که مربوط به مجموعه سازمان خارجی ب است، در حوزه عملکرد خود و در قلمرو کشوری که فعالیت می کند، مدیریت نماید. سازمان الف حق امتیازها را به نفع سازمان خارجی ب وصول می کند، ناقضان حق را مورد تعقیب قرار می دهد و مبالغ وصول شده را به سازمان خارجی ب انتقال می دهد (Bently and Shermand, 2001: 803).

۱۱. مدیریت جمعی و حقوق ایران

در حقوق ایران و به خصوص قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸/۱۰/۱۱، ذکری از نظام مدیریت جمعی نیامده است. تنها در لایحه قانون جامع حمایت از حقوق مالکیت ادبی و هنری و حقوق مرتبط، در ماده آخر، تشکیل برخی از تشکلهای غیر دولتی در جهت حمایت از حقوق پدیدآورندگان پیش بینی شده است. این در حالی است که تهیه آیین نامه اجرایی لایحه را به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی محول نموده است. در حالی که در قوانین حق مؤلف، کشورهای که نظام مدیریت جمعی دارند، فصل یا موادی چند از قانون حق مؤلف خود را به مدیریت جمعی و سازمانهای مدیریت جمعی اختصاص می دهند و یا در آلمان در خصوص نظام مدیریت جمعی قانون خاص وجود دارد.

نگارنده بر این اعتقاد است که نظر به اهمیتی که موضوع دارد، قانونگذار نباید امر را به آیین نامه واگذار نماید. اگر خواهان ورود چنین نظامی در دستگاه حق مؤلف است، باید قانونی خاص وضع نماید و در این قانون به نحوه تشکیل سازمانهای مدیریت جمعی، نحوه حل اختلاف افراد در نظام مدیریت جمعی، چگونگی کنترل و نظارت بر سازمانهای مدیریت جمعی به صورت مبسوط و کامل بپردازد و مواد قانونی را به تصویب رساند.

لزوم تأسیس نظام مدیریت جمعی در ایران به چند دلیل ضروری است. اول اینکه نظام مدیریت جمعی به خودی خود موقعیت پدیدآورندگان و دارندگان حقوق را ارتقا می‌بخشد. در قراردادهایی که سازمان مدیریت جمعی به نمایندگی از اعضا منعقد می‌نماید، در موقعیت تعاملی متناسب قرار می‌گیرند، زیرا غالب استفاده‌کنندگان از آثار را مؤسسات و سازمانهای دولتی و غیردولتی نظیر مراکز آموزش عالی و سازمان صدا و سیما تشکیل می‌دهند که از وضعیت معاملی قوی‌تری نسبت به پدیدآورندگان برخوردارند و سازمان مدیریت جمعی به دفاع از منافع حرفه‌ای اعضای خود می‌پردازد. دوم اینکه در قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان، حقوقی برای پدیدآورندگان و دارندگان حقوق شناخته شده است که اجرای انفرادی آنها غیر ممکن است و این امر می‌طلبد که چنین سازمانهایی تأسیس گردند. سوم اینکه از شاخصه‌های نظام حق مؤلف مدرن در دنیای امروز وجود سازمانهای مدیریت جمعی در کشورهاست.

نتیجه

از مجموع مباحثی که مطرح شد نتایج ذیل حاصل می‌آید:

۱. نظام مدیریت جمعی، نظامی است که برای اولین بار در فرانسه به وجود آمد. در این نظام که سازمانهای مدیریت جمعی نقش اساسی و مهم دارند، به نمایندگی از اعضای خود که معمولاً پدیدآورندگان و دارندگان حق مؤلف و حقوق مرتبطانند، حقوق آنها را اجرا و مدیریت می‌نمایند.
۲. سازمانهای مدیریت جمعی، اداره و اجرای دسته‌ای از حقوق را به عهده دارند که اجرای انفرادی و شخصی آنها از سوی پدیدآورندگان مشکل و یا غیر ممکن است.
۳. سازمانهای مدیریت جمعی، به جهت اینکه به دنبال کسب سود نیستند و به حمایت از منافع مادی و معنوی اعضای خود می‌پردازند، معمولاً به صورت انجمنها و شرکتهای غیر تجاری تأسیس می‌گردند.
۴. سازمانهای مدیریت جمعی، به جهت وضعیت انحصاری و برتری که در بازار دارند، این امکان وجود دارد که از وضعیت انحصاری و غالب خود سوء استفاده نمایند. لذا کشورها در قوانین خود پیش‌بینی می‌نمایند که سازمانهای مدیریت جمعی تحت کنترل و نظارت مرجعی رسمی باشند.

۵. در حقوق ایران وجود چنین سازمانهایی پیش‌بینی نشده است. تنها در لایحه قانون جامع حمایت از حقوق مالکیت ادبی و هنری و حقوق مرتبط، تأسیس تشکلهای غیر دولتی در جهت حمایت از منافع پدیدآورندگان و دارندگان حقوق مرتبط پیش‌بینی شده است که به نظر می‌رسد کافی و وافی به مقصود نیست. لذا می‌طلبد تا قانونی خاص به تصویب برسد و در آن به تمام جنبه‌های حقوقی نظام مدیریت جمعی پرداخته شود.

۶. دلیل تأسیس سازمانهای مدیریت جمعی، حمایت از منافع مادی و معنوی پدیدآورندگان و دارندگان حقوق مرتبط، ارتقای وضعیت معاملی آنها با استفاده‌کنندگان و اجرای آن دسته از حقوقی است که پدیدآورنده قادر نیست به تنهایی اجرا نماید و دلیل آن هم کثرت استفاده‌کنندگان از آثار است.

منابع

الف. فارسی

۱. محمدی، پژمان، «قراردادهای بهره برداری از حق مؤلف»، رساله دکتری، دانشگاه تهران، ۱۳۸۴.
۲. تفرشی، محمدعسی و محمودی، اصغر: «تجزیه و تحلیل تراست در حقوق انگلیس و مقایسه آن با نهاد وقف در حقوق ایران»، پژوهش حقوق و سیاست، ۱۳۸۳، ش ۱۳.

ب. لاتین

3. Bently, Lionel & Sherman, Brad, *Intellectual Property Law*, Uk, oxford university press, 2001.
4. Ficsor, Mihaly, *Collective Management of Copyright and Related Rights*, WIPO Publication, Geneva, 2002.
5. Garnett, Kevin & Davies, Gillian & Harbottle, Gwilym, *Copinger and Skone james on Copyright*, 15th ed, vol 1, London, sweet & Maxwell, 2005.
6. Gervais, Daniel j, *Collective Management of Copyright and Neighbouring Rights in Canada: an International Perspective*, Report of the Ministray of Culture of canada, 2001.
7. Gervais, Daniel j, *Electronic Rights Management and Digital Identifier systems*, WIPO Document ACMC, 1, 1, 1998. available at: www.wipo.int.
8. Koskinen, olsson Tarja & Greenwood Paul, *Collective Administration*, available at: www.ifro.org/upload/daument/WIPO-Lfirro-Cirective-manayCmentpof.

9. Petri, Gunner, *The composer's Right*, Schenck Linda, Bokporlaget Atlantis, Stockolm, 2002.
10. Sterling, J. A. L, *World Copyright Law*, London, Sweet & Maxwell, 1998.
11. Stewart, Stcphan M, *International Copyright and Neighbouring Rights*, Second ed, London, Butter worths, 1989.
12. WIPO, *Collective Administration, Copyright and Neighbouring Rights*, WIPO publication, Geneva, 1990.
13. *Gestion Collective des Droits D'Auteurs et des Droits Voisins*, Report presented to the French Senate, Nov. 1997. Available at: www.senat.fr/lc/lc30/lc300.htm.
14. Dulian, Pollaud Fredric, *le Droit D'Auteur*, Paris, Ed Economica, 2005.
15. Linat, Xavier, de Bellefonds, *Droits D'Auteur et Droits Voisins*, Paris, Dalloz, 2002.
16. Kretschmer, Martin, The Failure of Property Rules in collective Administration: *Rethinking Copyright Societies as Regulatory Instruments*, E. I. P. R, Issue 3, 2002.
17. Jauna, Christophe, *Collective Management Bodies in Comeroon*, *E-Copyright Bulletin*, july – September, 2004.
18. Suthfhernen U, *Collectivism of Copyright: the Future of Rights Management in European Union*, the Yearbook of Copyright Media and Law, New York, *Oxford University Press*, 2000.

